

# بایست شهود عقلی در طرح اخلاق مشرقی ابن سینا

میرسعید موسوی کریمی<sup>۱</sup>، علیرضا صیاد منصور<sup>۲</sup>، محمدحسینی جعفریان<sup>۳</sup>

## چکیده

مشاء مورد بررسی این مقاله، مشخص نمودن ماهیت رأی خاص بوعلی سینا در معرفت‌شناسی اخلاقی آثار مشرقی تحت عنوان «شهود عقلی» است. در بررسی ماهیت شهود عقلی، این نوع شهود برحسب مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن بررسی میگردد؛ یعنی در اینجا به مواردی توجه خواهد شد که ذیل عنوان «شهود عقلی»، بعنوان منابع کسب معرفت اخلاقی برای ابن‌سینا مطرح بوده و بنظر میرسد که شهود عقلی از ترکیبی از آنها بوجود می‌آید. به این منظور ابتدا به معرفی عناصر معرفتی موجود در شهود عقلی در رویکردی امروزیین پرداخته و روشن میکنیم که شهود عقلی از در کنار هم قرار گرفتن سه جزء معرفتی شهود، درونگرایی و عقل تشکیل شده است. در ادامه، نقش هرکدام از این سه مؤلفه در کارکرد معرفتی شهود عقلی نزد ابن‌سینا مشخص میگردد. سپس سعی میشود تا با بیان نقش شهود در معرفت‌شناسی اخلاقی شهودگرایان معاصر، کارکرد خاص این طرح معرفتی نزد معاصران بررسی گردد و با مقایسه نظریات ایشان با ابن‌سینا، بطور دقیقتر چستی

۹

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه مفید؛ msmkarimi@mofidu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه تهران؛ sayadmansour@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه غرب، دانشگاه مفید قم (نویسنده مسئول)؛ m.h.jafarian@mofidu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۲/۸/۲۸



شهود نزد ابن‌سینا و نقش مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن روشن شود.

**کلید واژه‌ها:** ابن‌سینا، معرفت‌شناسی، شهود عقلی، شهود‌گرایان

\* \* \*

## مقدمه

در بررسی ماهیت شهود عقلی، این نوع شهود برحسب مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن که بنظر میرسد بعنوان منابع کسب معرفت اخلاقی برای ابن‌سینا مطرح بوده و شهود عقلی از ترکیبی از آنها بوجود می‌آید، امکانپذیر است. برهمین اساس، ابتدا به بررسی عناصر معرفتی تشکیل‌دهنده شهود عقلی پرداخته، خصوصیات مواردی همچون «شهود»، «درون‌نگری» و «عقل» بعنوان منابعی برای کسب باور در شهود‌گرایی عقلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه نیز تلاش میشود تا با طرح رأی خاص ابن‌سینا در اخلاق مشرقی، جوانب مختلف طرح معرفتی وی مورد بررسی قرار گرفته و به کارکرد این مؤلفه‌ها در طرح معرفت‌شناختی وی اشاره گردد. سپس با مطرح کردن نظریات شهود‌گرایان اخلاقی معاصر در کارکرد معرفتی شهود و بنحو مقایسه‌ی چستی شهود نزد ابن‌سینا بطور دقیقتر مورد تحقیق قرار گرفته و کارکرد عناصر معرفتی درون‌گرایی، نفس و عقل در طرح معرفتی ابن‌سینا بطور مبسوط بررسی گردد.

### ۱. بررسی عناصر معرفتی تشکیل‌دهنده شهود عقلی

سه منبع معرفتی عمده که در معرفت‌شناسی معاصر مورد بررسی قرار می‌گیرند و بنظر با طرح مسئله شهود عقلی در معرفت‌شناسی اخلاقی ابن‌سینا نسبت مستقیم دارند و باید در بررسی معرفت‌شناسانه آن مورد نظر قرار گیرند عبارتند از: «شهود»، «درون‌نگری» و «عقل».<sup>(۱)</sup>

#### ۱-۱. شهود

شهود‌گرایان معاصر معتقدند اعتقادات اخلاقی ما با قضاوتهای عقلی و ادراکی معمولیمان تفاوت چندانی ندارند. بنظر آنها اعتقادات اخلاقی قضاوتهایی درباره جنبه‌های اخلاقی واقعیت است که مستقل از نگرشها و قضاوتهای افراد است. بنابراین، قضاوتهای



اخلاقی در قالب گزاره‌هایی بیان میشود که صدق و کذب آنها بسته به نوع رابطه آن با واقعیت‌های اخلاقی است. واقعیت اخلاقی خود محدوده‌یی از واقعیت است که نمیتواند به هیچ چیز دیگری تقلیل یابد؛ نه به مرحله‌یی روان‌شناختی از شخصی که قضاوت میکند، نه به تحول یا هر ویژگی طبیعی، نه به قوانین اخلاقی در یک فرهنگ معین و نه به عقلانیت ما. براساس شهودگرایی معاصر، قضاوت‌های اخلاقی ما دقیقاً این ادعا را با خود به‌مراه دارند که اگر من معتقدم کشتن یک شخص بیگناه غلط است، من معتقد هستم که چنین کاری واقعاً غلط است، زیرا غلط است و توضیح بیشتری لازم نیست. نزد شهودگرایان معاصر این همان چیزی است که از تعبیر «شهود» منظور میشود: «شهود» اعتقادی است که مبتنی، بر یا توجیه شده بوسیله هیچ اعتقاد دیگری نیست. بر همین قیاس اگر من معتقد هستم که یک توپ قرمز در مقابل چشمان من وجود دارد، این تمام شاهی است که من برای این اعتقاد دارم؛ تنها توجیه برای یک باور محتوای آن است. اگر کسی از من بپرسد: اما چطور تو میدانی که واقعاً یک توپ قرمز در برابر چشمان تو وجود دارد؟ تنها جواب من این است: زیرا من آنرا دیدم. بنابراین، شهود در تعریف شهودگرایان اخلاقی معاصر یک هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اخلاقی است که از یک رویکرد عمومی به معرفت‌شناسی اخلاقی دفاع میکند. نزد ایشان ما اعتقادات اخلاقی معمولی خود را در رویارویی با ارزشها بدست می‌آوریم.<sup>(۳)</sup>

## ۲-۱. درون‌نگری

درون‌نگری یکی از مفاهیم کلیدی معرفت‌شناسی بوده و بطور خاص ایمن از شک و تردید است. دانش درون‌نگرانه بیواسطه‌تر و مستقیم‌تر از دانش حسی بوده و این ویژگیها سبب میشود که بتوان آن را پایه و اساسی برای انواع دیگر دانش بحساب آورد. درون‌نگری فرایندی است که در آن درباره حقایق، مراحل و فرایندهای ذهنی و نه در مورد امور خارج از ذهن، دانش و اعتقاد داشته و قضاوت‌هایی میکنیم و از این جهت با دانش حسی متفاوت است که در آن بطور معمول اطلاعاتی درباره حقایق خارجی و جنبه‌های غیرذهنی بدن اشخاص داریم.<sup>(۳)</sup> این موارد باعث میشود مفاد این باورها چنان متأثر از وضعیت ادراک‌گر باشد که نتوان برای این باورها مفادی مستقل از



اینکه چه کسی آنها را ادراک میکند در نظر گرفت.<sup>(۴)</sup> از همینروی نباید و نمیتوان مفاد چنین باوری را به دیگر افراد تعمیم داد. این بدانمعناست که نمیتوان براساس اینگونه باورها استدلالهایی با نتیجه کلی «همه افراد چنین یا چنانند» سامان داد.<sup>(۵)</sup> این در حقیقت به این معناست که باورهای کسب شده از طریق درون‌نگری ویژگی بین‌الذهانی ندارند. درباره این قبیل باورها دو نوع ادعا قابل طرح است:

ادعای نخست: باورهای درون‌نگرانه باورهای خطاناپذیرند. این ادعا بر این اساس صورت میپذیرد که اشتباه و خطا هنگامی امکانپذیر است که بین ادراک‌گر و امر ادراک شده بتوان فاصله‌یی فرض کرد؛ یعنی زمانی که باور در ذهن باورنده جای دارد و واقعیت بیرونی، بیرون از ذهن. بنابراین، همواره میتوان احتمال داد باور با واقعیت در مطابقت نباشد. اما مدعیان مشخصه خطاناپذیری در خصوص باورهای درون‌نگرانه معتقدند که درباره این باورها چنین احتمالی وجود ندارد؛ زیرا اساساً بین ادراک‌گر و امر ادراک شده هیچ فاصله‌یی در کار نیست. ادراک‌گر واقعیتهایی را که موضوع باورهای درون‌نگرانه‌اند، در خود مییابد و نه در موطنی بیگانه با خویش.<sup>(۶)</sup> ادعای دوم: باورهای درون‌نگرانه باورهای جهل‌ناپذیرند؛ به این معنا که این باورها دربردارنده معرفتی تام درباره موضوع خود هستند. پس هر آنچه با درون‌نگری بدست می‌آید، واقعاً چنان است که شخص باور دارد.<sup>(۷)</sup>

### ۱-۳. عقل

بسته به اینکه در چه بستری مقصود شود معانی مختلفی را افاده میکند، اما عموماً به قوه‌یی شهودی اشاره دارد که موجب معرفت پیشینی در مباحث معرفت‌شناسی است.<sup>(۸)</sup> عاقل بودن را بطور کلی میتوان یاری جستن از نظام استدلالی دقیق و صحیح در روند تفکر و اندیشه دانست<sup>(۹)</sup>، ازاینرو حیطة اطلاق عقل و عقلانیت گزاره و قضیه است، چرا که در نظام استدلالی تنها گزاره قابلیت معرفت‌بخشی دارد. حال بعضی از انواع خاص گزاره‌ها متضمن باورهایی هستند که نتیجه استدلال بواسطه دیگر باورها نیستند (بیواسطگی) و نیز صدق آنها با شواهد و قرائن دیگر تأیید نشده و بخودی خود صادقند (ضروری الصدق بودن). مهمتر آنکه این صدق برای ما کاملاً واضح است؛ یعنی تنها چیزی که برای رسیدن به این نتیجه لازم داریم آن است که این باورها را بفهمیم.

۱۲



فهمیدن آنچه این باورها میگویند کافی است تا در باور به آنها موجه باشیم. از این باورها گاهی با عنوان باورهای خود آشکار نیز یاد میشود.<sup>(۱۰)</sup> ویژگی دیگر این دسته از گزاره‌ها، پیشینی بودن آنها یا مستقل بودن از تجربه است. تنها زمانی که نقطه آغاز گاهمان بنحو یقینی و قطعی اتخاذ شود میتوانیم معرفت ناب عقلی را تولید کنیم؛ یعنی معرفت عقلی نیازمند یقین و قطعیت است، بنابراین تجربه جایگاهی در این تصویرسازی از معرفت عقلی ندارد، چرا که یقین‌آور نیست.<sup>(۱۱)</sup> به این ترتیب، سه مشخصه ممتاز گزاره‌های عقلی خود آشکار که متضمن وصول به معرفت ناب عقلی است عبارتند از: ضروری‌الصدق بودن، بیواسطه بودن و پیشینی بودن.

تا اینجا در رویکردی امروزی، بدنبال معرفی کردن ماهیت شهود عقلی ذیل عناوین شهود، درون‌نگری و عقل بعنوان منبع کسب معرفت اخلاقی برای ابن‌سینا بودیم و ویژگیهایی که از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن برای گزاره‌های بوجود آمده از طریق کسب معرفت شهود عقلی بوجود می‌آورند (ضروری‌الصدق بودن، بیواسطه بودن و پیشینی بودن) را بررسی کردیم. حال باید نقش این مؤلفه‌ها را در کارکرد معرفت‌شناختی شهود عقلی در رسائل مشرقی مورد بررسی قرار بدهیم.

## ۲. بررسی نقش مؤلفه‌های شهود عقلی در کارکرد معرفت‌شناسی اخلاقی آن

آرزو و اشتیاق داشتیم کتابی بنویسیم شامل جنبه‌های مهم معرفت واقعی. فقط شخصی که بسیار فکر کرده و عمیقاً تفکر و تأمل نموده و از مرحله عالی شهود عقلانی دور نشده است میتواند استنتاجاتی از آن بکند.<sup>(۱۲)</sup>

«شهود عقلی» طرح معرفت‌شناختی حکمت مشرقی ابن‌سیناست که بنیان آن

مبتنی بر شناخت نفس از خویشتن است:<sup>(۱۳)</sup>

نیروی اصلی که دریافت‌کننده و حرکت‌دهنده و نگهدارنده مزاج است چیز دیگری است که تومیتوانی آن را بنام نفس بنامی و این است آن جوهری که نخست در اجزاء بدن تو و سپس در بدن تو تصرف میکند. پس این جوهر در تو یکی است بلکه آن به حقیقت تو هستی.<sup>(۱۴)</sup>

شناختی که در پرتو دیگر اصل معرفتی یعنی نظریه اتصال به عقل فعال، معرفت‌شناسی اخلاقی ابن‌سینا را در رسائل مشرقی موجب میشود:

بباید دانستن که ایزد تعالی همه حالهای این‌جهانی و جز از این از بودن و نیست شدن و از حال به حال گردیدن و جز از این همه را به سبب و میانجی اندر بسته است و بهری را سبب بودن بهری کرده است... همچنین سبب بودن و نیست شدن چیزهای این‌جهانی فرشتگان آسمانی کرده است خاصه عقل فعال.<sup>(۱۵)</sup>

نزد ابن‌سینا شهود عقلی «راهی است برای کسب معرفت که در آن حد وسط (آنچه نتیجه و یا در حکم آن است)، بدون شوق و حرکت، نزد افراد (برادران حقیقت) حاصل است و امکان مشاهده معقول را از عقل فعال فراهم مینماید». حال آنچه ما را به این توانایی میرساند همراهی با عقل فعال است که محصول نوعی درون‌نگری است: «ای برادران حقیقت خویشتن همچنان فراگیرید که خارپشت باطنهای خویش را به صحرا آورد و ظاهرهای خود را پنهان کنید که به خدای که باطن شما آشکار است و ظاهر شما پوشیده.»<sup>(۱۶)</sup>

این درون‌نگری محصول تلاش در جهت اعتلای قوای معرفتی است؛ به این معنی که برادران حقیقت سعی میکنند با تزکیه نفس، قوای عقلانی خود را آماده برای پذیرش صور معقول از عقل فعال کنند. این تزکیه درونی سبب میشود شوق نفس به دانستن و علم یافتن به عوالم روحانی افزایش و توجهش از عالم ماده به سلسله عقول و مجردات خاصه عقل فعال بازگردد؛ آنچه زمینه‌ساز دریافت افاضات از عقل فعالی است که تمثلهای متعدد برای نفوس متعدد دارد.<sup>(۱۷)</sup>

در این سیاق معرفتی، عقل فعال نیز به هیچ عنوان از افاضه باورهای معرفتی دریغ نداشته و این افراد هستند که باید در تناسب با این طریق معرفت‌شناختی، خود را در مواجهه با عقل فعال حاضر یابند:

بباید دانستن که عقل فعال نه چنان است که بدین حال که بدو باز بسته است بر یکی بخیلی کند و مر او را راه ننماید و بر دیگری بخیلی نکند و راه نمایش؛ بلکه اثر وی همواره به همه کس همی رسد. پس هر که اندر او شایستگی پذیرفتن آن

اثر بود، بپذیرد و آنکه اندر او شایستگی نبود نپذیرد و هرکسی آن اثر به اندازه شایستگی خویش پذیرد.<sup>(۱۸)</sup>

همچنین ابن‌سینا این طریق شهودی کسب معرفت را نوعی کسب دانش و شناخت علمی میدانند:

«و ببايد دانستن که سياحت کردن نفس ما جستن دانش و بدست آوردن حقيقت چيزهاست». <sup>(۱۹)</sup> تنها عالمان را قادر به شناخت واقعی از موضوع شناخت اخلاقی خود میدانند:

پس همچنين آن علم که ما ندانيم و اندر ما قوت دانستن آن علم بود، چون شايسته گرديم دانستن آن علم را از همت بجای آوردن و قصد نیک کردن باندر يافتن آن، اثر عقل فعال به ما پیوند و ما را آن علم حاصل آید.<sup>(۲۰)</sup>

بنابراین، در حوزه معرفت‌شناسی امر اخلاقی، ابن‌سینا تأکید خاصی بر کسب علم و معرفت دارد. وی در اینباره بطور خاص از «علم فراست» سخن میگوید که «تو را پدید کند از هر کسی آنچه وی پنهان دارد از خوی خویش...»<sup>(۲۱)</sup> و نیز «...دلیل میکند که تو چنانی که به هر سوی که ترا کشند، آن سوی شوی و چون ترا به راه راست بدانند و بدان راه خوانند، بصلاح گردی و پاک شوی و اگر فریبده‌ای ترا بفریبد، فریفته شوی».<sup>(۲۲)</sup>

علمی که موضوع پرداخت آن «آنست که کسی را خویهایی بود پنهان، پس کسی که او را از این علم بهره بود، اندر آن کس نگاه کند، از دیدار وی بر خویهای وی دلیل گیرد: اگر خوی بد بودش، بداند و اگر نیک بود نیز بداند».<sup>(۲۳)</sup> بنابراین، برای ابن‌سینا شناخت اخلاقی بدون کسب معرفت علمی ناممکن است. این وابستگی معرفت اخلاقی به سطح علمی افراد از وابستگی خرد عملی به خرد نظری نیز مشخص است، زیرا در حکمت مشائی انجام فعل اخلاقی بسته به دستورات خرد عملی است و دستورات آن نیز به ۱۵ دانش و علم صحیح خرد نظری باز بسته است:

نفس آدمی که میتواند تعقل کند جوهر است و قوا و کمالاتی دارد. پس یکی از نیروهای آن چیزی است که نفس برای کامل کردن بدن به آن محتاج است و آن نیرویی است که نام آن عقل عملی است و آن نیرو کارهای جزئی را که انجام آن



موسوی کریمی، صیاد منصور، جعفریان؛ ماهیت شهود عقلی در طرح اخلاق مشرقی ابن‌سینا

برای آدمی واجب است از مقدمات بدیهی و مشهور و تجربی بیرون می‌آورد تا به هدفهای اختیاری که دارد برسد و در این کار به ملاحظه رأی کلی از عقل نظری کمک می‌جوید تا به جزئی برسد.<sup>(۲۴)</sup>

جوزجانی نیز در شرح خود بر داستان *حی بن یقظان* به این مورد اشاره دارد:

بباید دانستن که نفس مردم را قوت دیگر است... و آن قوت خرد است و خرد مردم دو گونه است: یکی آن است که نفس علم را بدو اندر یابد و میان حق و باطل فرق بدو کند و این را «عقل نظری» گویند، ای که «خرد دانا» و دیگر آن است که نفس بدو کارهای نیکو کند و خوبیهای نیکو حاصل کند و خوبیهای بد از خویش دور کند و این را «عقل عملی» خوانند، ای که «خرد کارکن». و این خرد ما گاه بود که نگریشش اندر حال این تن بود و به کارهای این جهانی نگاه کردن و گاه بود که نگریدنش اندر کارهای آن جهانی بود... و هرچه خرد دانا بداند خرد کارکن بدان کار کند.<sup>(۲۵)</sup>

گو اینکه این نگرستن هر کسی را میسور نیست و بدیهی است که این تجربه برای آدمی در شرایطی خاص حاصل میشود:<sup>(۲۶)</sup> «چون اندر او این شایستگی پدید آید اثر فرشته آسمانی بدو پیوندد ...»<sup>(۲۷)</sup>

بوعلی سینا نتیجه این بازگشت به ساحت درون را وصول به ساحت عالمی دیگر گونه میداند؛ عالمی که طی طریق در آن و شناخت از مشرق و مغرب آن را در همراهی با عقل فعال به انجام می‌آورد؛ شناختی که نه از راه گفتگو و آموختن، بلکه از راه «مشاهده» دست یافتنی است:<sup>(۲۸)</sup> «باید از واصلین به عین شد نه از شنوندگان اثر».<sup>(۲۹)</sup> تمام این بدینمعناست که این سینا ضمن التفات به درون و مواجهه با آن، قصد ورود به ساحت جهان دیگرگونه‌یی را دارد که مشاهده آن در همراهی با عقل فعال رخ میدهد:

... از وی اندر خواستم که تا مرا راه نماید به سیاحت کردن و سفر کردن آنچنان سیاحت که وی کند ... آن پیر (عقل فعال) گفت که... هر بار که نشاط سیاحت کردن کنی بنشاطی تمام و بجد، من با تو همراهی کنم...<sup>(۳۰)</sup>

بنابراین، درون‌نگری در اینجا ابزار وصول به این عالم معقول است که سالک از طریق



آن مستقیماً به ساحت حقیقت که ساحت عقل فعال است واصل می‌گردد و آنرا بطور معقول، مشاهده میکند. به این ترتیب بین ساحت درون و ساحت عقل فاصله‌یی نیست:

کمال خاص نفس ناطقه آن است که به جهان عقلی صیوروت یافته، در آن جهان صورت کلی و نظام معقول در کل (هستی) و خیر سرشار در این نظام (کیهانی) که ناشی از مبدأ کل است در او مرتسم گردد، در حالی که بسوی جواهر شریف روحانی مطلق... سالک است؛ تا اینکه هیئت کل وجود را استیفا کند؛ «فتنقلب عالما معقولا موازياً للعالم الموجود کله». در این حال، مشاهده‌گر خیر مطلق و جمال مطلق حق شده و با آن زیبایی و حسن مطلق متحد است و به مثال و هیئت آن منقش و در ژرفا و عمق جوهر وجود خویش دگرگون شده است.<sup>(۳۱)</sup>

بنابراین شهود سینوی، شهود عقلی از جهانی واقعی است و در این طریق شهودی، انسان با متن واقعیت ارتباط برقرار کرده، جایی برای تردید و شک و عدم‌اطمینان باقی نمی‌ماند:

پس چون شغل تن از وی بیوفتد و این پرده که از جهت کالبد است و میان وی و میان حق بازدارنده است برخیزد و روی وی به تمامی سوی حالهای آن جهانی شود، پس دانستن ایزد و شناختن فرشتگان و حالهای آن جهانی او را پیدا شود به حقیقت، چنانکه هیچ شک نه اوفتدش.<sup>(۳۲)</sup>

جهانی که در معرفت‌شناسی سینوی، «خوب» و «بد» اخلاقی کارهای جزئی تنها از مواجهه با آن بدست می‌آید و تنها افرادی میتوانند به عینیت آن دست یابند که از افاضه معرفتی عقل فعال بهرمنند گردند.

### ۳. کارکرد معرفت‌شناسی اخلاقی شهود عقلی نزد معاصران

بحث درباره کاربرد معرفت‌شناختی شهود در اخلاق از کارکرد معرفت‌شناسانه شهود، درون‌نگری و عقل بعنوان راههای کسب باور استنباط شده و فلاسفه اخلاق با توجه به طریق معرفت‌شناسانه مباحث مذکور، آنها را در وادی تفلسف خویش در حیطة اخلاق وارد نموده‌اند. بر این اساس طرح معرفت‌شناسانه شهود اخلاقی واجد

ویژگی‌هایی است که مبتنی بر کارکردهای معرفت‌شناختی این موارد، امهات نظریات ایشان را در اخلاق پی‌می‌افکند. ما ضمن بررسی «شهود» به تعریف آن و بررسی خصوصیات شهودگرایی اخلاقی نزد معاصرین پرداختیم. اکنون قصد داریم تا با ارائه سایر تعاریفی که از شهود نزد شهودگرایان معاصر ارائه شده است به بررسی دقیق ویژگی‌های معرفت‌شناسی این طرح بپردازیم و سعی نماییم تا با روشن شدن هرچه بهتر مواضع معرفت‌شناسانه ایشان، برای شناخت مواضع معرفت‌شناختی بوعلی در طرح شهود عقلی زمینه‌ی را مهیا کنیم:

۱. شهودگرایان اخلاقی، «شهود» را نحوه‌ی میدانند که اشیاء خود را پیش از اقامه برهان بروز میدهند. آنها به این «بروز» یا نمود اولیة عقلانی، «شهود» می‌گویند.<sup>(۳۳)</sup> بعضی نیز شهود را اینگونه تعریف میکنند: توانایی و قدرت بر ادراکی بیواسطه که منجر به ایده‌ها و نظریات اصیل نوین میشود. این ایده‌ها یا شهودها ساده و غیرقابل‌انکار هستند؛ یعنی بلحاظ منطقی برای موجودات عاقل بما هو عاقل غیرقابل تحویل و بدیهیند.<sup>(۳۴)</sup>

رابرت آئودی نیز معرفت شهودی را بمثابه معرفتی میدانند که غیراستنتاجی است و از استحکام برخوردار بوده، واجد پیشاتئوریک بودن و فهمی کامل و تمام نسبت به شیء شناخته شده است.<sup>(۳۵)</sup> بر این اساس، تمام داوریه‌های مبتنی بر شهود بر این حقیقت ابتناء می‌یابند که چگونه اشیاء به نظر سوژه دآوری‌کننده میرسند.<sup>(۳۶)</sup> درنهایت، پاسخ اساسی و بنیادین شهودگرایان به سؤال از چگونگی علم پیداکردن «چون چنین است» خواهد بود.<sup>(۳۷)</sup>

با این تعریف از شهود، شهود اخلاقی نیز نزد آنها نوع شهودی تعریف میشود که محتوایش یک گزاره ارزشی یا ارزیابانه باشد.<sup>(۳۸)</sup>

۲. شهود معمولاً مستقل از باور است. زیرا شهودها بمثابه تمثلات (یا حاضرسازیهای) اولیه<sup>۱</sup> و عقلانی تعریف میشوند. شهودهای اخلاقی، شهودهایی با «محتوای ارزیابانه»<sup>۲</sup> هستند. این شهودها صرفاً باور یا محصول باور نیستند. همه شهودات نیز بنحو یکسان معتبر و موثق نیستند.<sup>(۳۹)</sup> بنابراین، هرچند که این بروز و نمودها معمولاً موجب شکلگیری باورهایمان میشود، اما درحقیقت شهود تنها ما را قادر می‌سازد تا آن نوع از الزامی را که

1. initial

2. evaluative contents

برای داوری میان نظریات رقیب اخلاقی مورد نیاز است فراهم آوریم.<sup>(۴۰)</sup>

۳. شهودگرایان واقع‌گرای اخلاقیند؛ یعنی معتقدند که قضاوت‌های اخلاقی اعتقادات را بیان میکنند و بسیاری از این اعتقادات صادقند و آنچه آنها را صادق میسازد حضور اصول اخلاقی مربوطه در موضوعات آنهاست. بنابراین، اعتقاداتی نظیر این اعتقاد که دزدی خطاست یا محبت خوب است بوسیله این واقعیت صادقند که عمل دزدی ویژگی خطا بودن را داراست و عمل محبت ویژگی خوب بودن را. همچنین نزد آنها اصول اساسی اخلاق بدیهیند؛<sup>(۴۱)</sup> یعنی اخلاقیات وابسته به اندیشه و احساس بشر نیستند و کسانی که به بلوغ عقلی رسیده‌اند حقایق پایه‌ی اخلاق را مانند حقایق پایه‌ی ریاضی بدیهی میدانند. نزد ایشان حقایق پایه‌ی اخلاق در درون و در ذهن ما از قبل وجود داشته<sup>(۴۲)</sup> و غیراستنتاجیند.

۴. بر این اساس در شهودگرایی اصطلاحاتی چون «خوب» به ویژگیهای ابژکتیو و ارزشی غیرقابل تحویل برگشته<sup>(۴۳)</sup> و غیرقابل تعریف است.<sup>(۴۴)</sup> شهودگرایان این ویژگیها را مبتنی بر شهودگرایی عقلی دانسته<sup>(۴۵)</sup> و معتقدند که باید این مفاهیم غیرقابل تغییر وجود داشته باشند و گرنه دچار دور میشویم.<sup>(۴۶)</sup>

۵. نزد شهودگرایان ایمان به عینیت داشتن ارزشها مبتنی بر فهم عرفی است. در حقیقت هم عینیت ارزشها و هم وجود جهان خارج جزء باورهای فهم عرفی است که صدقش روشن و بینیا از برهان است.<sup>(۴۷)</sup> بر این اساس همه ما در زندگی مسلم میگیریم که یک پاسخ درست به پرسشهای اخلاقی وجود دارد و درباره درست و نادرست حقیقتی وجود دارد که باید کشف شود؛<sup>(۴۸)</sup> یعنی داوریهای ارزشی، سواى تمایلاتمان برای عمل ما دلیل ارائه میکنند.<sup>(۴۹)</sup>

۶. شهودگرایان به این اعتقاد ندارند که اصول بدیهی اخلاق باید برای همه کسانی که آنها را در نظر دارند روشن باشند؛ بلکه ایشان میپذیرند که ممکن است بر سر اینکه چه اصولی بدیهیند و آنها چه تعداد هستند عدم توافق وجود داشته باشد.<sup>(۵۰)</sup> در حقیقت نیل به اصول بدیهی در اخلاق مستلزم تأمل و بلوغ عقلی است.<sup>(۵۱)</sup>

۷. شهودگرایان بر این عقیده‌اند که فقط اصول پایه‌ی اخلاق بدیهیند و برای آنکه این اصول پایه‌ی را در موضوعات و مسائل جزئی و محسوس اعمال کنیم باید

اطلاعات دیگری هم داشته باشیم.<sup>(۵۲)</sup>

۸. بنابر تمام آنچه گفته شد، نزد شهودگرایان، ما داوریهای خود را میبینیم؛ البته نه با چشمهایمان بلکه با عقلمان.<sup>(۵۳)</sup> اگر احتمالاً موردی را نتوانیم شهود کنیم متصف به حماقت یا کوردلی (از جهت اخلاقی) خواهیم شد.<sup>(۵۴)</sup>

#### ۴. مقایسه شهودگرایی معاصر و شهودگرایی سینوی

چنانکه بوضوح قابل مشاهده است، شباهتهای بسیاری میان طرح معرفت‌شناختی ابن‌سینا در اخلاق مشرقی و طرح اخلاقی شهودگرایان معاصر وجود دارد؛ موردی که البته در گذر از ظاهر آن، باب اختلافات اساسی را نیز در خود مفتوح دارد:

۱. اولین تفاوت میان آنها به این باز میگردد که شهود در تعریف معاصرین «طریقی است که به نوعی کسب باور منجر میشود»؛ یعنی شهود نزد آنها مستقل از باور است. اما شهود نزد ابن‌سینا از آن جهت که همراه با مشاهده حد وسط است، عین معرفت است. همچنین متعلق شهود نزد معاصرین «عالم واقع و اشیاء موجود در آن» است، اما متعلق شهود نزد ابن‌سینا «هر بار که مشغول داشتن حسها مر نفس را از وی دور شود»<sup>(۵۵)</sup> برایش حاصل میشود و آنگاه «وی آهنگ اندر یافتن دانشها کند از عالم غیب».<sup>(۵۶)</sup> بنابراین، شهود سینوی اساساً در گذر از عالم محسوس بدست می‌آید و جهانی را دربرمیگیرد که «سخن از فهم آنها عاجز و عبارت از شرح آنها ناتوان است»؛<sup>(۵۷)</sup> «مثال آنکه اگر کسی بخسپد، بدان حال شغل حسها از وی بیوفتد، پس نفس آهنگ عالم فرشتگان کند و آنچه ایشان را معلوم است او را پاره‌یی معلوم گردد».<sup>(۵۸)</sup>

۲. فراورده شهود نزد معاصرین، از آن جهت که «بروز» یا نمود اولیة عقلانی، براساس بازنگری حقایق پایه‌یی اخلاق در درون و در ذهن ماست، مطابق با طریق کسب باور درونگرایانه خطاناپذیر است. اما از آن جهت که این شهودهای خطاناپذیر صرفاً در جایگاه آگاهی از الزامی است که برای داوری میان نظریات رقیب اخلاقی مورد نیاز است و بهر حال از کسب باور اخلاقی مستقل است، تضمینی الزاماً بر معرفت اخلاقی خطاناپذیر ارائه نمیکند؛ در حالی که نزد بوعلی وضع از این قرار است که درون‌نگری، ضمن موجبیت در اتصال به عقل فعال، معرفت اخلاقی خطاناپذیری را برای ما بوجود می‌آورد.



۳. شهودگرایان چنانکه بیان شد، معتقدند که اولاً، فقط اصول پایه‌یی اخلاق بدیهیند و ثانیاً، ممکن است بر سر تشخیص اینکه چه اصولی بدیهیند و آنها به چه تعداد هستند، عدم توافق وجود داشته باشد. براساس چنین رأیی احکامی که برخاسته از اصول پایه‌یی اخلاق نیستند بدلیل عدم وجود بداهت در ایشان، از صدق ضروری بهرمنند نبوده و خطاپذیرند؛ اما دربارهٔ احکام صادره از اصول بدیهی اخلاق، شهودگرایانی که در حوزهٔ معرفت‌شناسی مبنی‌گرا<sup>(۵۹)</sup> هستند معتقدند که توجیه گزاره‌های پایه نقض‌ناپذیر است. در نتیجه، نزد این افراد احکام صادره از اصول بدیهی اخلاق بضروره صادق است. اما نزد شهودگرایان معتدل احکام صادره از اصول بدیهی اخلاق بدلیل نقض‌پذیری توجیه گزاره‌های پایه، دچار صدق ضروری نمیباشند.

نزد ابن‌سینا نیز در ادراک اصول اخلاقی میان افراد تفاوت است و هرکسی را توان دستیابی به عالم اخلاقی نیست. وی بصراحت بر این نکته در *حی‌ابن‌یقظان* و *رساله‌الطیر* اشاره دارد. او در *حی‌ابن‌یقظان* میگوید:

...حدی سپس مغرب اندر است و حدی از آنسوی مشرق و هر یکی را از این دو حد جایگاهی و بندی است بازدارنده میان این عالم و میان آن حد که هرکسی بدان جای نتواند رسیدن و از آنجا اندر نتواند گذشتن جز خاصگان مردمان که قوتی بدست آورده باشند خویشتن را، (تأکید از نویسندهٔ مقاله است) که ایشان را آن قوت بأول آفرینش نبود.<sup>(۶۰)</sup>

در *رساله‌الطیر* نیز ضمن اشاره بر این تفاوت میان دوستان خود، شرایط دستیابی به اصول بدیهی اخلاق را نیز ذکر میکند:

۲۱

...اینچنین دوست خالص کجا یابم که دوستیهای این روزگار چون بازرگانی شده است... مگر برادری دوستانی که پیوند از قرابت الهی بود و الف (الف) ایشان از مجاورت علوی، و دل‌های یکدیگر را بچشم حقیقت نگرند و زنگار شک و پندار از سر خود بزدايند و این جماعت را جز منادی حق جمع نیارد. چون

1. Foundationalist



جمع شدند این وصیت قبول کنند.<sup>(۶۱)</sup>

بر این اساس ابن‌سینا میان جماعتی که پیوند از قرابت الهی یافته و الفت ایشان از مجاورت علوی است با سایرین قائل به تفاوت بوده و دستیابی به اصول بدیهی اخلاق را برای ایشان ممکن میدانند: «...چون جمع شدند این وصیت قبول کنند.»<sup>(۶۲)</sup>

بنابراین، بوعلی معتقد است از آن جهت که شهود عقلی، شهود جهانی دیگرگونه و عالمی اخلاقی است، صرفاً برای برادران حقیقت است که اولاً، تمامی اصول خرد و کلان اخلاقی واجد بدهت عقلی است و ثانیاً، بر سر تشخیص درست اصولی بدیهی و تعداد ایشان هیچگونه عدم توافقی وجود نخواهد داشت.<sup>(۶۳)</sup>

۴. نزد شهودگرایان حقایق پایه‌ی اخلاق اولاً، از قبل در درون و در ذهن ما وجود دارند و ثانیاً، تأمل عقلی بالغ ابزار دست یافت به آنها برحسب شهود عقلی است؛ اما نزد ابن‌سینا حقایق اخلاقی اولاً، در جهان عقل فعال حاضر است و ثانیاً، دستیابی به این حقایق، بدنال افاضات عقل فعال ممکن است که درون‌نگری و تأمل عقلی زمینه‌های لازم را برای دریافت این افاضات آماده میکنند. بنابراین برحسب شهودگرایی معاصر، تأمل عقلی ما را به حقایق اخلاقی میرساند، اما برحسب شهودگرایی ابن‌سینا تأمل عقلی ما را آماده میکند که بواسطه دریافت فیض به حقایق اخلاقی از طریق عقل فعال دست پیدا کنیم.

۵. براساس نکته قبل، اختلافی که در ادراک افراد از امر اخلاقی میان بوعلی و شهودگرایان معاصر وجود دارد به «علمی» بودن طرح معرفت شهودی نزد بوعلی (مطابق با داستان *حی ابن یقظان*) و «عرفی» بودن آن نزد شهودگرایان معاصر بازمیگردد. نزد ابن‌سینا طرح معرفت‌شناسی شهود عقلی معلول شناخت حاصل از کسب «علم فراست» است «که فایده وی به نقد است و منفعت وی اندر وقت است»<sup>(۶۴)</sup> اما چنانکه بیان شد، نزد شهودگرایان ایمان به عینیت داشتن ارزشها مطابق با «فهم عرفی» است. نزد آنها هم عینیت ارزشها و هم وجود جهان خارج جزء باورهای فهم عرفی محسوب میگردید؛ اما در طرح سینوی فهم عالم واقع آنچنان از فهم عرفی فاصله دارد که بوعلی را در بیان آنچه بدان به علم فراست شناخت دارد، بیعقل میخوانند: «بسا دوستان که چون این قصه بشنود گفت پندارم که ترا ثری رنجه می دارد یا دیو در تو تصرف کرده است. بخدای که تو نپریدی بلکه عقل تو

۲۲



پرید و ترا صید نکردند که خرد ترا صید کردند...» (۶۵)

۶. نکات بیان شده باب بحث فهم بین‌الذهانی از اصول اخلاقی را می‌گشاید. چنانکه گفته شد شهودگرایان معاصر بر این رأیند که نیل به اصول بدیهی در اخلاق مستلزم تأمل و بلوغ عقلی است. این مورد از این نکته پرده می‌گیرد که نزد این جماعت تنها در صورت وجود این شرط، اصول اخلاقی یکسان در اذهان افراد واجد شرایط بوجود خواهد آمد.

اما نزد ابن‌سینا فهم بین‌ذهنی مشروط به شرط دیگری است. نزد وی شرط دریافت معانی بوسیله شهود عقلی در داستان *رسالة الطیر* پیوند از قرابت الهی است و الفت برادران حقیقت از مجاورت علوی. درک معانی اخلاقی در این داستان، تنها در اینصورت اتفاق می‌افتد که برادران دل‌های یکدیگر را به چشم حقیقت بنگرند و زنگار شک و پندار از سر خود بزدایند. آنچه در پی آن جمع از منادی حق یابند و چون جمع شدند توصیه‌های اخلاقی ابن‌سینا را بپذیرند. در *حی‌بن‌یقطان* نیز شناخت حاصل از علم فراست شرط دست یافتن به چنان ادراکی از امر اخلاقی عنوان می‌گردد. از این جهت نزد شهودگرایان بدلیل آنکه هم عینیت ارزشها و هم وجود جهان خارج جزء باورهای فهم عرفی است، صدق امر اخلاقی «در صورت وجود شرایط لازم» روشن و بین‌باز از برهان است. اما نزد بوعلی دست یافتن به صدق روشن، بدیهی و بدون برهان امر اخلاقی، وابسته به شهود حقایق اخلاقی از عالم عقل فعال است که البته معلل کسب مدارج فوق است.

۷. شهودگرایان معاصر در مباحث وجودشناختی همچون ابن‌سینا در گروه واقعگرایان اخلاقی دسته‌بندی میشوند، اما مسیر جستجوی واقعیت نزد ایشان متفاوت است. چنانکه بیان شد، نزد شهودگرایان ایمان به عینیت داشتن ارزشها مطابق با فهم عرفی است؛ اما نزد بوعلی خصوصیات اخلاقی در عالمی دیگرگونه آنچنانکه در *حی‌بن‌یقطان* به وصف آن می‌پردازد موجودند که البته به هیچ عنوان با فهم عرفی از عالم اخلاقی یکسان نیست:

گوید که حدیث من با وی با آنجا انجامید که از او پرسیدم از حال هر اقلیمی وی

۲۳

آنجا رسیده است و آنرا بعلم اندر یافته است و خبر آن شنیده است. وی گفت که حدّهای زمین سه حدّ است: یکی آن است که اندر میان مشرق و مغرب است و این حدّ را بدانسته‌اند و خبر وی اندر یافته‌اند بتمام و بشما رسیده است و از جاهای غریب نیز خبر آنچه اندرین اقلیم است بشما رسیده است. و دو حدّ دیگر است غریب: حدّی سپس مغرب اندر است و حدّی از آنسوی مشرق و هر یکی را از این دو حدّ جایگاهی و بندی است بازدارنده میان این عالم و میان آن حدّ ... (۶۶)

بنابراین آنچه در واقع مایه تفاوت عمده در شهودگرایی معاصران و شهودگرایی ابن‌سینا میشود به تفاوت در هستی‌شناسی ایشان بازمی‌گردد. نزد شهودگرایان، با بکار بردن شیوه‌های کسب معرفت اخلاقی از طریق شهود عقلی در نهایت میتوانیم به خصوصیتی اخلاقی در عالم پیرامون خود آگاه شویم؛ اما نزد بوعلی، با بکار بستن شهودگرایی عقلی با عالم واقعی عقل فعال مواجه خواهیم شد که البته در نسبتی با درون آدمی، جهانی آنگونه است که در تمام داستان *حی‌ابن یقظان* به شرح آن می‌پردازد:

گوید که نزدیکترین آبادانی آن زمین به ما جایگاهی است که آن کسها که آنجا نشینند مردمانی اند خرد تن و زودرو و شهرهای ایشان نه شهر است و سپس این جایگاه، پادشاهی است که مردمان آن پادشاهی خردت‌ترند از اینان که پیشترند و گران روتر و سپس این، پادشاهی است که مردمان وی سخت نیکو روی‌اند و سپس این، پادشاهی است که مردمان او به تن سخت بزرگ‌اند ... و سپس این، پادشاهی است که کناره‌های آن کس ندید. (۶۷)

### نتیجه‌گیری

طرح معرفت‌شناختی شهود عقلی مبتنی بر سه طریق کسب باور «شهود»، «درون‌نگرایی» و «عقل» است که با قرار گرفتن در کنار هم، باوری پیشینی، بیواسطه و بضروره صادق را فراهم می‌آورند. همچنین میان نظر ابن‌سینا در شهود عقلی با نظریات شهودگرایان اخلاقی معاصر در مواردی نظیر اینکه آنها همه کس را قادر به دستیابی اصول اخلاقی میدانند شباهت وجود دارد، اما تفاوت عمده‌ی نیز میان آنها برحسب جهانی که خصوصیات اخلاقی را در آن حاضر میدانند وجود دارد؛ نزد شهودگرایان ایمان به عینیت داشتن ارزشها

۲۴





مطابق با فهم عرفی است، اما نزد بوعلی خصوصیات اخلاقی در عالم عقل فعال موجودند که البته به هیچ عنوان با فهم عرفی از جهان اخلاقی یکسان نیست.

### پی‌نوشتها:

۱. لازم بذکر است که تعاریف ارائه شده از آن معاصرین است و قصد بر آن است تا با مقایسه نظر آنها با نظر ابن‌سینا، شناخت بهتری از کاربرد این عناصر معرفتی در طرح معرفت‌شناختی ابن‌سینا بدست آید.
2. Roeser, Sabine (2011), *Moral Emotions and Intuitions*, p. 485.
3. See: Schwitzgebel, Eric, "Introspection", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, 2010.
۴. شمس، منصور، *آشنایی با معرفت‌شناسی*، ص ۱۷۲.
۵. همان، ص ۱۷۳.
۶. همان، ص ۱۶۹.
۷. همان، ص ۱۷۰.
8. Curley, Edwin, "Rationalism", *A Companion to Epistemology*, p. 659.
9. Cohen, L. Jonathan (2010), "Rationality", *A Companion to Epistemology*, p. 663.
۱۰. *آشنایی با معرفت‌شناسی*، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.
11. Curley, *op.cit.*, p. 659.
۱۲. ابن‌سینا، *منطق‌المشرقیین*، مقدمه.
۱۳. کرین، هانری، *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی*، ترجمه انشاءالله رحمتی، ص ۳۵.
۱۴. ابن‌سینا، *اشارات و تنبیهات*، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، ص ۱۶۶-۱۶۹.
۱۵. جوزجانی، شرح بر *حی ابن یقظان*، در: *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی*، ص ۴۸۱.
۱۶. ابن‌سینا، *رسالة الطیر*، ترجمه شهاب الدین سهروردی، در: *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی*، ص ۳۴۰.
۱۷. *ابن‌سینا و تمثیل عرفانی*، ص ۲۷.
۱۸. شرح بر *حی ابن یقظان*، ص ۴۸۳.
۱۹. همان، ص ۴۹۰.
۲۰. همان، ص ۴۸۲.
۲۱. ابن‌سینا، *حی ابن یقظان*، ص ۲۸۰.
۲۲. همان، ص ۲۸۱.
۲۳. شرح بر *حی ابن یقظان*، ص ۴۸۴.
۲۴. *اشارات و تنبیهات*، ص ۱۸۷.
۲۵. شرح بر *حی ابن یقظان*، ص ۵۱۳.
۲۶. *اشارات و تنبیهات*، ص ۶۶-۶۹.
۲۷. شرح بر *حی ابن یقظان*، ص ۴۸۲.
۲۸. خراسانی، شرف‌الدین، «ابن‌سینا»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۲۷.
۲۹. *اشارات و تنبیهات*، ص ۴۵۴.
۳۰. *حی ابن یقظان*، ص ۲۸۲ و ۲۸۳.
۳۱. ابن‌سینا، *الشفاء، الهیات*، تقدیم و تصحیح ابراهیم مدکور، ص ۴۲۶.

۳۲. شرح بر حی‌ابن یقظان، ص ۴۹۰.

33. Huemer, Michael, *Ethical Intuitionism*, pp. 101-102.

34. Hudson, William Donal, *Ethical Intuitionism*, p. 25.

35. Dancy, Jonathan, "Moral Epistemology", *A Companion to Epistemology*, p. 533.

36. Huemer, *op.cit.*, pp. 101-102.

37. Hudson, *op.cit.*, p. 28.

در ابتدای نوشتار حاضر، در تعریفی که از «شهود» بعنوان یکی از مؤلفه‌های معرفت‌شناختی تشکیل‌دهنده شهود عقلی بیان شد، عنوان گردید که «شهود» اعتقادی است که مبتنی بر یا توجیه شده بوسیله هیچ اعتقاد دیگری نیست و در نتیجه اگر من معتقد هستم که یک توپ قرمز در مقابل چشمان من وجود دارد، این تمام شاهدهی است که من برای این اعتقاد دارم؛ یعنی چون یک توپ قرمز در برابر چشمان من هست، چنین اعتقادی برای من ایجاد شده است.

38. Huemer, *op.cit.*, pp. 101-102.

39. *Ibid.*, p. xiii.

40. *Ibid.*, pp. 99-104.

41. Stratton-Lake, Philip, "Ethical Intuitionism", *The Routledge Companion to Ethics*, p. 467.

۴۲. گنسلر، هری جی، درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، ص ۱۰۳.

43. Huemer, *op.cit.*, p. 3.

۴۴. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ص ۱۰۳.

45. Huemer, *op.cit.*, p. 3.

۴۶. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ص ۱۰۵.

۴۷. نزد آنها شهود عرفی بر فهم فلسفی و شالوده‌های منطقی تقدم زمانی دارد (Hudson, *op.cit.*, p. 127).

۴۸. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

49. Huemer, *op.cit.*, p. 3.

50. Stratton-Lake, *op.cit.*, p. 468.

۵۱. درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ص ۱۱۲.

۵۲. همان، ص ۱۱۰.

53. Huemer, *op.cit.*, p. 101.

54. Hudson, *op.cit.*, p. 58.

۵۵. شرح بر حی‌ابن یقظان، ص ۴۹۰.

۵۶. همانجا.

۵۷. اشارات و تنبیهات، ص ۴۵۴.

۵۸. شرح بر حی‌ابن یقظان، ص ۴۹۱.

۵۹. میناگروی دیدگاهی است درباره ساختار توجیه یا معرفت. نظریه میناگروی بطور خلاصه آن است که همه معرفتها و باورهای توجیه شده در نهایت بر مبنای معرفتها و باورهای توجیه شده بدیهی

(غیرارجاعی) قرار دارند.

۶۰. حی‌ابن یقظان، ص ۲۸۳.

۶۱. رساله الطییر، ص ۳۴۰.



۶۲. همانجا.

۶۳. ابن‌سینا، برای سایر دوستان خود که در این ورطه نمیگنجد نیز برای دستیابی به اصول اخلاقی بدیهی، صادق و خطاناپذیر، معرفت‌شناسی اعتمادگرا را توصیه مینماید: «هر کس بدین که گفتم اعتماد نکند نادان است». (رسالة الطیر در ابن‌سینا و تمثیل عرفانی الف، ص ۳۴۴) یعنی، ابن‌سینا راه دست یافتن به اصول اخلاقی برای افرادی غیر از برادران حقیقت را اعتماد به گفته‌های برادران حقیقت میداند. موردی که در صورت اقتدای به آن سایر دوستان نیز میتوانند واجد اصول اخلاقی با چنان صفاتی باشند.

۶۴. حی‌ابن یقظان، ص ۲۸۰.

۶۵. رسالة الطیر، ص ۳۴۳.

۶۶. حی‌ابن یقظان، ص ۲۸۳.

۶۷. همان، ص ۲۸۵.

### منابع فارسی:

۱. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، اشارات و تنبیهات، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
۲. \_\_\_\_\_، رسالة الطیر، ترجمه شهاب‌الدین سهروردی، در: ابن‌سینا و تمثیل عرفانی، گردآوری و تألیف هانری کربن، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، انتشارات سوفیا، ۱۳۸۹ (الف).
۳. \_\_\_\_\_، حی ابن یقظان، ترجمه و شرح جوزجانی، در: ابن‌سینا و تمثیل عرفانی، گردآوری و تألیف هانری کربن، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، انتشارات سوفیا، ۱۳۸۹ (ب).
۴. \_\_\_\_\_، منطق المشرقیین، قاهره، المكتبة السلفية، ۱۹۱۰ م.
۵. \_\_\_\_\_، الشفاء، الالهیات، تقدیم و تصحیح ابراهیم مدکور، قم، مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.
۶. جوزجانی، شرح بر حی‌ابن یقظان، در: ابن‌سینا و تمثیل عرفانی، گردآوری و تألیف هانری کربن، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، انتشارات سوفیا، ۱۳۸۹.
۷. خراسانی، شرف الدین، «ابن‌سینا»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران، نشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۸. شمس، منصور، آشنایی با معرفت‌شناسی، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۷.
۹. کربن، هانری، ابن‌سینا و تمثیل عرفانی، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران، انتشارات سوفیا، ۱۳۸۹.
۱۰. گنسلر، هری جی، درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، تهران، انتشارات آسمان خیال، ۱۳۸۹.

### منابع انگلیسی:

- ۲۷
1. Curley, Edwin (2010), "Rationalism", *A Companion to Epistemology* (2<sup>nd</sup> ed.), edited by Jonathan Dancy, Ernest Sosa, and Matthias Steup, Oxford: Blackwell Publishing.
  2. Cohen, L. Jonathan (2010), "Rationality", *A Companion to Epistemology* (2<sup>nd</sup> ed.), edited by Jonathan Dancy, Ernest Sosa, and Matthias Steup, Oxford: Blackwell Publishing.
  3. Dancy, Jonathan (2010), "Moral Epistemology", *A Companion to Epistemology* (2<sup>nd</sup> ed.), edited by Jonathan Dancy, Ernest Sosa, and Matthias Steup, Oxford: Blackwell Publishing.



4. Fumerton, Richard (2010), "Foundationalist Theories of Epistemic Justification", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
5. Hudson, William Donal (1970), *Ethical Intuitionism*, London and New York: Macmillan.
6. Huemer, Michael (2005), *Ethical Intuitionism*, New York: Palgrave Macmillan.
7. Reese, William L. (1996), *Dictionary of Philosophy and Religion* (2<sup>nd</sup> ed.), New Jersey: Humanities Press.
8. Roeser, Sabine (2011), *Moral Emotions and Intuitions*, New York: Palgrave Macmillan.
9. Schwitzgebel, Eric (2010), "Introspection", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
10. Stratton-Lake, Philip (2010), "Ethical Intuitionism", *The Routledge Companion to Ethics*, edited by John Skorupski, London and New York: Routledge.